

به نام خدای مهربان



ماجراجویان کهکششان



باغ وحش عطارد

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

باغ وحش عطارد

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۹۴

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

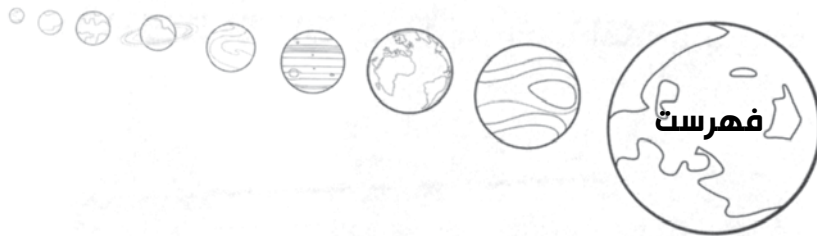
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۳-۹

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: عکس پرو فایل..... ۱۰
- فصل دوم: باغ وحش..... ۱۷
- فصل سوم: در میان سایه‌ها..... ۲۴
- فصل چهارم: هیولا..... ۳۰
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: باغ وحش عطارد/تومی دونبوند؛ امیرحسین میرزائیان.

مشخصات نشر: تهران؛ ذکر، کتابهای قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ص:، ۱۴/۱۵×۲۱/۵س.م.

فروست: ماجراجویان کهکشان؛ ۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۳-۹ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Monsters on mercury

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزائیان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - ، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب۵۸۷/۲ PZ۷

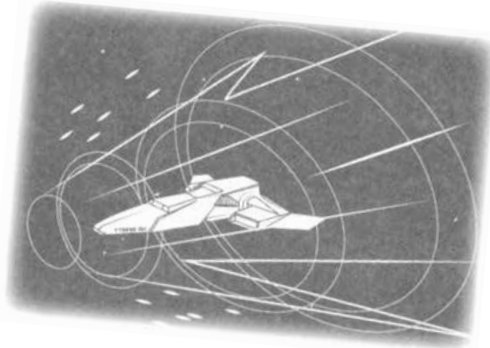
رده بندی دیویی: [ج] ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۳۹۰۲

تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگزوز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

سن: ۱۵

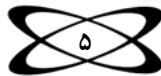
اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

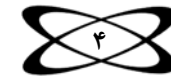
اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»


اَسْترا

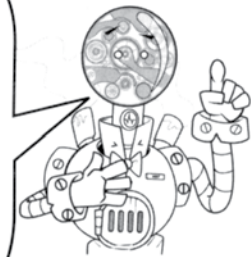




جلسه‌ی تمرین کیهان

تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!
اسم من ولت است و معلم سایبری
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما
هم یک مأمور کیهانی  باشید،
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را
آلوده کرده بودند و بدتر از

همه این که همین کار

را با هشت سیاره‌ی

دیگر منظومه‌ی

شمسی هم کردند.

حقیقت این است

که بزرگ‌ترها

تا مدت‌ها اصلاً

نمی‌دانستند پلوتن

واقعاً یک سیاره است!



تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده

سالگی بازنشسته می‌شدند

و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی

سالمندانی که در ایستگاه‌های

فضایی ساخته شده بود

می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال

در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا

هشت سالگی، دیگر صاحب شغل

شده بودند.

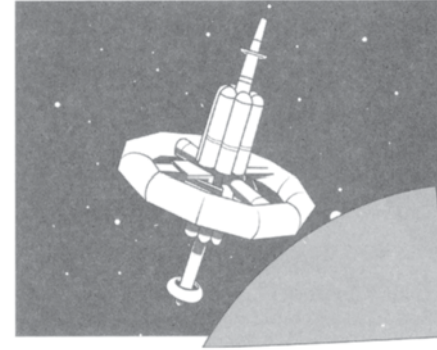


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

کیهان؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافتش را بگیرد.

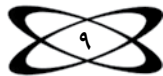


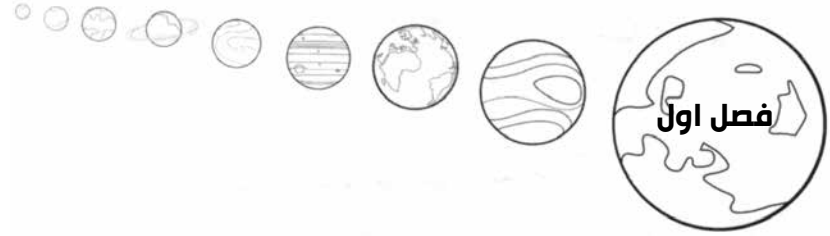
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافتکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

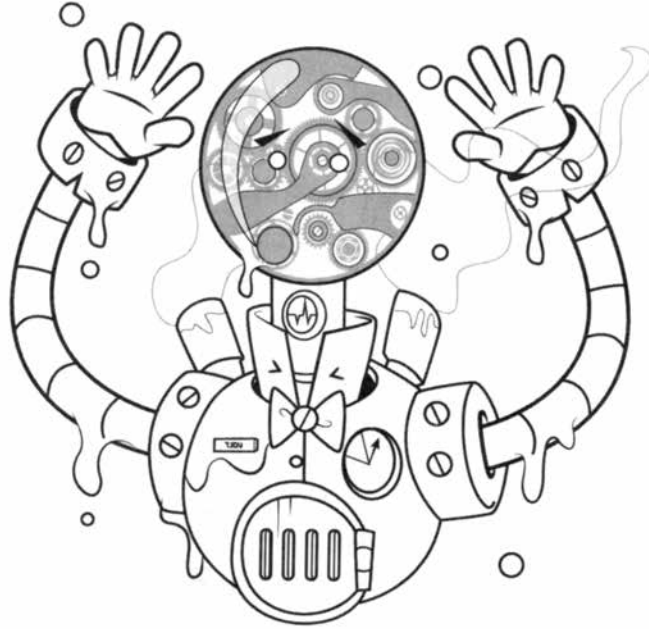
حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان مأموریتی را بخوانید که در آن باید با هیولاهای دیگر به غیر از جیزر هم می‌جنگیدیم.





عکس پروفایل

**گزارش رسمی وقایع سفرهای
سفینه‌ی فضایی اچ اس اینفینیتی
ماموریت هشتم:
باغ وحش عطارد
گزارش از این قرار است:**



استرا با حوله موهایش را خشک کرد، پشت میزش نشست و گفت: «اوضاع درایوها چطور است، فرمانده؟ درست و حسابی تعمیر شده‌اند؟»

فرمانده دن فایربال نگاهی به صفحه‌ی تبلتش انداخت و گفت: «هنوز خوب نیست.»

در کابین فرماندهی باز شد و افسر ارشد، استرامون، داخل سفینه پرید و در حالی که حوله‌ای از کشوی میزش بیرون می کشید گفت: «آن بیرون مثل سیل باران می بارد! همه جا آن قدر خیس است که اصلاً نمی شود سیم‌های درایوهای پرشی سفینه را تعمیر کرد!»

ولت که مثل موش آب کشیده شده بود به دنبال او وارد شد و گفت: «واقعاً همین طور است، دوشیزه استرا. اگر این درایوهای پرش سفینه درست کار می کردند، ما الان روی سیاره‌ی خوش آب و هواتری بودیم.»

